

خوانش انتقادی و فهم متن: رویکردی شناختی

محسن نوبخت^۱

چکیده

در مواجهه با گفتمان، متن و خواننده بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرند. متن توسط نویسنده تولید می‌شود و معنای آن با مداخله نقش فعال خواننده بر ساخته می‌شود. خواننده با استفاده از ابزارهایی از جمله بافت، دانش پیشین خود و وارد کردن آن به متن‌ها دست به تفسیر می‌زند؛ بنابراین، می‌توان گفت که فرایند خلق معنا حاصل پیوندی درونی بین سرنخ‌های متنی و دانش خواننده از جهان است. به بیان سمینو (۱۹۹۷) «متن معنا را فراقنی می‌کند و خواننده‌ها آن را برمی‌سازند». نظریه جهان متن نظریه‌ای است گفتمانی و مبتنی بر زبان‌شناسی شناختی که هم بر ابعاد تولید متن توجه دارد و هم به نحوه تأثیرگذاری متن و پذیرش آن از جانب مخاطب می‌پردازد. پژوهش حاضر در پی این است که با تلفیق نظریه جهان متن و سبک‌شناسی آموزشی به بررسی کارآیی آن‌ها در فهم و خوانش انتقادی متن بپردازد. بر این اساس، داستان کوتاه کابوس‌های شبانه از ابوتراب خسروی در اختیار ۷۵ دانشجوی رشته پزشکی قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد با خواندن یک و دوباره متن برداشتشان از داستان را به روی کاغذ بیاورند. سپس پرسش‌نامه مبتنی بر نظریه جهان متن در اختیار آن‌ها قرار گرفت و این بار از آن‌ها خواسته شد تا با مراجعه به متن داستان به پرسش‌ها پاسخ دهند و برداشت جدیدشان از معنای متن را به روی کاغذ بیاورند. این دو برداشت آن‌ها تحلیل و با هم مقایسه شد. برای تحلیل این پیکره و آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آماری

۱. استادیار، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت»، تهران، ایران. ایمیل: nobaxt@gmail.com

توصیفی و استنباطی استفاده شد. وضعیت مؤلفه‌های پرسشنامه از دیدگاه پاسخ‌دهندگان از طریق محاسبه میانگین و انحراف معیار آنها مورد بررسی قرار گرفت. روایی تحقیق به دو صورت شاخص نسبت روایی محتوایی و شاخص روایی محتوایی محاسبه گردید. به منظور بررسی فرضیه تحقیق از آزمون تی وابسته استفاده شد. تحلیل پاسخ‌های دانشجویان نشان می‌دهد که پیش از خواندن و پرکردن پرسش‌نامه، دانشجویان گزاره‌هایی کلی راجع به جهان داستان ارائه داده‌اند؛ اما پس از پرکردن پرسشنامه، به واسطه ره‌بردن به جهان گفتمان و جهان متن داستان، توانستند گزارش دقیق‌تری از معنای متن ارائه دهند. از آنجا که دریافت معنای متن نیازمند نگاهی انتقادی به آن است، به باور ما سبک‌شناسی آموزشی مبتنی بر نظریه جهان متن این نگاه انتقادی را در ذهن خواننده فعال می‌سازد تا واکنش‌های دقیق‌تری به متن نشان دهد و به معنای عمیق‌تری از متن برسد؛ از سوی دیگر، این شیوه به مدرسان ادبیات کمک می‌کند تا با استفاده از این ابزار سبک‌شناختی درک متن دانشجویان و دانش‌آموزان را بهبود بخشند.

کلیدواژه‌ها: نظریه جهان متن، زبان‌شناسی شناختی، کابوس‌های شبانه، سبک‌شناسی آموزشی

Critical Reading and Text Comprehension: A Cognitive Approach

Mohsen Nobaxt¹

Abstract

In discourse analysis, the text and the reader are central. The text is produced by the author, and its meaning is constructed through the active role of the reader. The reader interprets the text using tools such as context and prior knowledge, which they bring to the text. Therefore, the creation of meaning results from an internal connection between textual clues and the reader's understanding of the world. As Semino (1997) states, "The text projects meaning, and the readers construct it." Text World Theory is a discourse-based theory rooted in cognitive linguistics that focuses on both the production of the text and its impact on the receiver. This study aims to investigate the effectiveness of Text World Theory and educational stylistics in understanding and critically reading texts. To this end, the short story "Nightmares" by Abotorab Khosravi was given to 75 medical students, who were asked to write down their understanding of the story after reading it once and then again. Next, they were given a questionnaire based on Text World Theory and asked to answer the questions by referring back to the story, and then to write down their new understanding of the text. These two interpretations were analyzed and compared. Descriptive and inferential statistics were used to analyze the data and test the hypotheses. The status of the questionnaire components from the respondents' point of view was examined by calculating their mean and standard deviation. The validity of the research was calculated in two ways: the content validity ratio index and the content validity index. A dependent t-test was used to examine the research hypothesis. The analysis of students' responses shows that before reading and filling out the questionnaire, they provided general statements about the world of the story; however, after filling out the questionnaire, by being guided to the discourse world and the text world of the story, they were able to provide a more accurate report of the meaning of the text. Since understanding the meaning of a text requires a critical view of it, we believe that educational stylistics based on Text World Theory

1. Associate Professor, Research Institute for Humanities and Cultural Studies of SAMT.
Email: nobaxt@gmail.com

activates this critical view in the reader's mind, enabling them to show more accurate reactions to the text and reach a deeper understanding of the text. On the other hand, this method helps literature teachers to improve the text comprehension of students by using this stylistic tool.

Keywords: Text World Theory, Cognitive Linguistics, Nightmares, Educational Stylistics

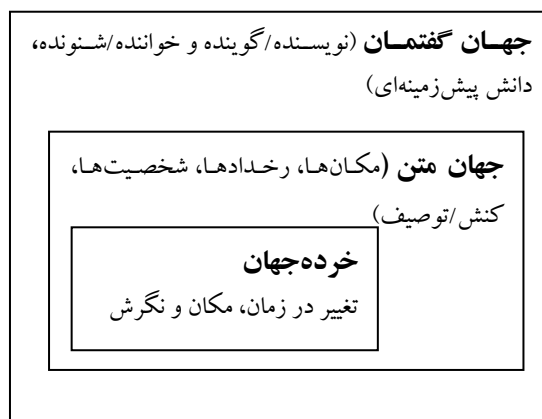
تولید و درک زبان متضمن فرایند مفهوم‌سازی، از جمله فرایند بازنمایی‌های ذهنی، است. نظریه جهان متن ۱ (ورث، ۲، ۱۹۹۹؛ گاوینز، ۳، ۲۰۰۷) چاقویی مبتنی بر زبان‌شناسی شناختی است که به بررسی مفهوم‌سازی در گفتمان می‌پردازد. این نظریه بر مطالعه زبان در بافت تأکید دارد و بر همین اساس شکل گرفت. فرض اساسی نظریه جهان متن این است که گفتمان منعکس‌کننده شناخت است و همه انسان‌ها برای پردازش و فهم زبان به بازنمایی‌های ذهنی در ذهن‌شان می‌پردازند (ورث، ۱۹۹۹: ۵۰؛ برای بحث‌های بیشتر در خصوص علوم شناختی نگاه کنید به هالفورد، ۱۹۹۳؛ کینچ و ون دایک، ۱۹۷۸؛ شیکن و همکاران، ۱۹۹۶؛ شانک و آبلسون، ۱۹۷۷). نظریه پردازان جهان متن بر این باورند که زبان نوع دنیای مفهومی‌ای که خواننده و شنونده ایجاد می‌کنند را شکل می‌دهد و این دنیای مفهومی مستقیماً بر فرایند مفهومی مورداستفاده در درک متن تأثیر می‌گذارد. نظریه جهان متن مبتنی بر زبان‌شناسی شناختی است که اصطلاحی فراگیر برای مجموعه‌ای از رویکردهای زبان‌شناختی است که در دهه ۱۹۷۰ در نتیجه افزایش سریع دانش موجود در مورد ذهن و مغز انسان و نارضایتی فزاینده در خصوص زبان‌شناسی زایشی پدید آمد. رویکردهای شناختی به متن و تحلیل متن را می‌توان در سه حوزه تفسیر متن، فهم متن و تولید متن جای داد. در حوزه تفسیر متن می‌توان از نظریه جهان متن نام برد. از جمله موضوعات مورد توجه نظریه جهان متن کاربرست آن در فهم خواندن و ادراک متن است. پیشتر هم تلاش‌هایی از سوی پژوهشگران برای ارائه الگوهای برای درک گفتمان ارائه شده است که مبتنی بر مباحث روان‌شناختی بودند خاصه شناخت بودند. کینچ و ون دایک (۱۹۷۸) الگویی گفتمانی در باب ادراک ارائه می‌دهند که قدری با پژوهش حاضر مرتبط است. الگوی پیشنهادی آنها تلفیقی است از کارهای کینچ (۱۹۷۴ و ۱۹۷۷) در خصوص واحد معنا یا گزاره‌ها و کارهای ون دایک (۱۹۷۲) در خصوص عملگرهای کلان. الگوی تلفیقی آنها دارای سه مرحله است: مرحله نخست تمرکز بر عناصر معنادار متن یا گزاره‌ها است که نظر به محدودیت‌های حافظه به صورت چرخه‌ای و هر بار روی یک گزاره یا جمله تأکید می‌کند. در مرحله دوم طی عملیاتی پردازشی گزاره‌های معنادار شناسایی شده را به

مجموعه‌ای از گزاره‌های کلان تبدیل می‌کند که فحوای اصلی متن را در بر دارند. در مرحله سوم، در صورت نیاز، به بازیابی متن از حافظه می‌پردازیم؛ مثلاً زمانی که بخواهیم متنی را خلاصه کنیم و بنابراین به تولید متنی جدید پردازیم مرحله سوم رخ خواهد داد و طی بازیابی اطلاعات ذخیره شده در حافظه به تولید یا بازتولید متن می‌پردازد. طبق نظر کینچ و ون‌دایک (۱۹۸۳: ۱۱) «درک گفتمان هم شامل بازنمایی مبنای متنی در حافظه اپیزودیک و هم همزمان برانگیختن و روزآمدسازی بازنمایی شناختی از رویدادها، کنش‌ها، افراد و درواقع بافت موقعیتی متن می‌شود». این الگوی موقعیتی می‌تواند تجارب پیشین در مورد موقعیت‌ها یا موقعیت‌های مشابه باشد. الگوی برساخت‌ادغام هم نظریه‌ای در باب درک گفتمان است که به عنوان مبنایی برای طراحی هوشمند یکپارچه جدید مورد استفاده قرار می‌گیرد. این الگو نوعی رویکرد ترکیبی است که ویژگی‌های نمادین را با تکنیک‌های مرتبط با ارتباط تلفیق می‌کند. تأکید این الگو بر فرایندهای ادراک داده‌محور یا از پایین به بالا است تا راهبردهای جستجوی بالا به پایین. الگوی برساخت‌ادغام در مقام نظریه‌ای در خصوص درک گفتمان بر نقش دانش در سرتاسر فرایند ادراک سروکار دارد (کینچ، ۱۹۸۸). هدف اصلی و اولیه طرح‌های مبتنی بر الگوی برساخت‌ادغام عبارت است از الگوسازی از وظایف شناختی (لیرد و نیوول، ۱۹۸۷؛ لوئیز و همکاران، ۱۹۹۰). الگوی برساخت - ادغام در اصل در مقابل دیدگاه‌های سنتی بالا-پایین یا نظریه محاسباتی مبتنی بر انتظارات رایج در درک گفتمان مطرح شد. هدف یک نظریه محاسباتی در خصوص درک گفتمان عبارت است از برساختن یک بازنمایی نهایی از متن که بر اساس آن بتوان محاسبات را انجام داد. این محاسبات درواقع پرسش‌هایی درباره گفتمان است که برای اندازه‌گیری عملکرد آن هم با توجه به یادآوری، خلاصه‌سازی، یا تأیید گزاره‌های فردی و غیره به کار می‌روند. چنین نتایجی که مبتنی بر این نوع محاسبات است مستقیماً از نقش دانش در نظریه تأثیر می‌پذیرند. الگوی برساخت ادغام از دو مرحله تشکیل می‌شود: برساختن دانش و ادغام دانش. اما در کنار این رویکردها به درک گفتمان، نظریه‌ای مبتنی بر روانشناسی و علوم شناختی بهتر می‌تواند به حل مسئله ادراک کمک کند. نظریه جهان متن از جمله این رویکردهاست که زبان انسان را در پرتو رشته‌هایی همچون زبان‌شناسی شناختی، روان‌شناسی شناختی و دیگر علوم شناختی بررسی می‌کند. این نظریه تأثیرات زیادی در رشته‌های سبک‌شناسی و بوطیقای شناختی، خاصه در اروپای شمالی، بر جای گذاشت؛ چنان که در کلاس‌های زیادی از جمله زبان‌شناسی، بوطیقای شناختی،

روایت‌شناسی، و نظریه ادبی آموزش داده می‌شود و برای دانشجویان هم جذاب می‌نماید، زیرا مفاهیم مطرح در این نظریه قابلیت بالایی برای به کارگیری در تحلیل‌های متنی دارند. از این رو، نظریه جهان متن از رهگذر کاربست‌اش بر طیفی از متن‌ها، از جمله متن‌های تبلیغات، متن‌های آموزشی، گفتمان سیاسی، و انواعی از ژانرهای ادبی از جمله شعر، رمان، و متن‌های چندوجهی، هم تکوین یافته و هم تقویت شده است. ورث (۱۹۹۹) بر این باور است که نظریه جهان متن می‌تواند به بررسی فرایندهای شناختی حاکم در پس تولید و درک هر شکلی از گفتمان پردازد؛ شاهد این بلندپروازی در کاربست این نظریه در طیفی از متون قابل مشاهده است. از رهگذر چنین کاربست‌های متنوعی، مرزهای نظری و کاربست‌پذیری عملی نظریه جهان متن مدام در معرض دقیق‌تر شدن و نوسازی قرار می‌گیرد (گاومینز، ۲۰۰۷: ۷). در تکوین نظریه جهان متن می‌توان ردپای سه جریان اصلی را مشاهده کرد. نظریه جهان‌های ممکن^۱ در فلسفه، الگوهای ذهنی^۲ و الگوهای موقعیتی^۳ از روان‌شناسی شناختی، و نظریه فضای ذهنی^۴ از زبان‌شناسی شناختی. ورث (۱۹۹۹) بر این نکته تصریح دارد که این نظریه‌ها در شکل‌گیری و بسط نظریه جهان متن تأثیر داشته‌اند، هرچند رویکرد مبتنی بر جهان متن از چندین جنبه تفاوت‌ها و تمایزاتی خاص خود دارد. از منظر شناختی، زبان نظامی از نمادهاست که برای برساختن مفهوم‌سازی‌های بالقوه غنی رهنمون‌هایی ارائه می‌دهد (ایوانز و گرین، ۲۰۰۶). متن توسط نویسنده تولید می‌شود و معنای آن با مداخله نقش فعال خواننده در ذهن او برساخته می‌شود. خواننده با استفاده از ابزارهایی از جمله دانش پیشین خود و وارد کردن آن به متن‌ها از آن‌ها برای فرایند تفسیر بهره می‌برند؛ بنابراین، می‌توان گفت که فرایند خلق معنا حاصل پیوندی درونی بین سرنخ‌های متنی و دانش خواننده از جهان است. سمینو (۲۰۰۳) در این مورد بر این باور است که «متن معنا را فرافکنی می‌کند و خواننده‌ها آن را بر می‌سازند». در این پژوهش، قصد داریم با تأکید بر این نگاه شناختی بر این نکته تأکید کنیم که خواننده‌ها، در کنار بهره‌گیری از دانش پیشین، چگونه فهم متن‌ها را با استفاده از خود متن پی می‌گیرند بنابراین، تأکید ما پیش از هر چیزی بر این است که خواننده‌ها چگونه به پردازش معنای

1. possible worlds theories
2. mental models
3. situation models
4. Mental Space Theory

متنی می‌پردازند. بدین منظور، رویکردهای متنی و زبانی ضمن تقویت معنای بافتی توضیحی در مورد نحوه واکنش خواننده‌ها به متن‌ها ارائه می‌دهند. تولید و درک زبان مستلزم فرایند مفهوم‌سازی، و متعاقب آن خلق بازنمایی‌های ذهنی است. نظریه جهان متن چارچوبی در زبان‌شناسی شناختی است که به بررسی مفهوم‌سازی در گفتمان می‌پردازد. نظر به این ملاحظات، می‌توان نظریه جهان متن را نظریه‌ای گفتمانی دانست که هم بر ابعاد تولید متن توجه دارد و هم به نحوه تأثیرگذاری متن و پذیرش آن از جانب مخاطب می‌پردازد. در پردازش متن، بافت می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کند و جنبه‌های مختلف معنای متن را روشن سازد. این نظریه بر نقش فعال خواننده در دریافت معنای متن تأکید دارد. از این رو، نظریه‌ای خواننده‌محور تلقی می‌شود. خواننده در مواجهه با متن، با استفاده از بافت موقعیتی، یا جهان گفتمان، برداشتی از موضوع متن به دست می‌آورد. به عبارتی، خواننده تحت تأثیر ایده‌ها، دانش پیش‌زمینه‌ای و باورهای خود به برداشتی از معنای متن می‌رسد. خواننده با مراجعه به متن و با توجه به بافت گفتمانی متن بر ساختی از متن در ذهن خود شکل می‌دهد؛ به بیان دیگر، خواننده با مراجعه به گفتمان یک بازنمایی ذهنی از متن می‌سازد که جهان متن نام دارد. این بازنمایی ذهنی، علاوه بر مراجعه به جهان گفتمان، با استفاده از سرنخ‌هایی از متن شکل می‌گیرد. در این نظریه مشارکت‌کنندگان (نویسنده‌ها/خواننده‌ها و گوینده‌ها/شنونده‌ها) بر اساس دانش مشترک و فردی‌شان به تبادل بازنمایی‌های ذهنی خود از زبان، که همان جهان‌های متن است، می‌پردازند. معنا از رهگذر تعامل بین متن و خواننده شکل می‌گیرد: متن‌ها جهان‌ها را تصویر می‌کنند و خواننده‌ها جهان‌ها را بر می‌سازند. در نتیجه، معناها ثابت نیستند بلکه پویا و موقعیت‌مند هستند و توسط خواننده و با استفاده از دانش و تجارب پیشین‌اش در مورد جهان واقعی خلق می‌شوند. بنابراین، می‌توان گفت که دانش مشارکت‌کننده‌ها و بافت در نظریه جهان متن از اهمیت بالایی برخوردار است. نظریه جهان متن تلاشی آگاهانه و معمول از جانب تولیدکننده و دریافت‌کننده متن به منظور خلق یک جهان است؛ در این جهان گزاره‌ها بسط می‌یابند و درون هم لانه می‌گیرند و در نهایت به ساختاری معنایی می‌انجامند. این فرایند، ساختی یا جهانی را خلق می‌کند که نویسنده و خواننده درون آن جهان آگاهانه معنا را می‌آفرینند. این نظریه به سه لایه یا سطح جهان گفتمان، جهان متن و خرده‌جهان برای گفتمان قائل است (تصویر ۱).



تصویر ۱: نمایی از نظریه جهان متن (گاوینز، ۲۰۰۷)

جهان گفتمان عبارت است از «بافت موقعیتی رخداد کلامی» (ورث، ۱۹۹۹: ۸۳)؛ به عبارتی، جهان گفتمان به محیط مکانی و زمانی رخداد زبانی اشاره دارد. این سطح از نظریه جهان متن به بررسی کاربرد موقعیتی زبان می‌پردازد و نقطه ورود به هر تحلیل متنی خواهد بود. در این جهان مشارکان (معمولاً نویسنده/گوینده و خواننده/شنونده) با همکاری هم از طریق ترکیب جزئیات متنی و دانش پیش‌زمینه‌ای مشترک بر سر ساخت فضاهای مفهومی دست به تعامل می‌زنند. به عبارتی، در این لایه پیوند و ارتباطی بین متن (نویسنده/گوینده) و خواننده (خواننده/شنونده) برقرار می‌شود. این ارتباط اولین برخورد طرفین است. مشارکان گفتمان در این لایه می‌کوشند تا بر ساخت‌هایی ذهنی خلق کنند. این امر زمانی روی می‌دهد که آن‌ها توصیف فیزیکی را از طریق عناصر جهان‌ساز زمان، مکان، شخصیت و ابژه‌ها، به دنیای مفهومی تبدیل می‌کنند. به باور گاوینز (۲۰۰۷) این فضاهای مفهومی مبنایی است برای فهم ما از فضای فیزیکی‌ای که در آن قرار داریم، گذر زمان، و حتی ساختارها و محدودیت‌های اجتماعی‌ای که رفتار ما را کنترل می‌کنند. به بیانی، این جهان عبارت است از فضاهای مفهومی‌ای که ابتدا توسط مشارکان گفتمان خلق شدند، تحقق «متن» فیزیکی به صورت بر ساخت‌های ذهنی از طریق جهان‌سازهای زمان، مکان، شخصیت، رخدادها و توصیف. به طور خلاصه، جهان متن عبارت است از بازنمایی ذهنی مشارکان که با ترکیب محتوای زبانی و دانش پیش‌زمینه‌ای خلق می‌شود (ورث، ۱۹۹۹). جهان‌های متن همیشه درون جهان گفتمان لانه می‌گیرند، و نشان می‌دهند که نقش اطلاعات بافتی در کاربرد و تفسیر زبان تا چه اندازه مهم هستند. جهان‌های متن، با توجه به

محتوای زبانی، با استفاده از عناصر جهان‌ساز و گزاره‌های نقش‌گستر شکل می‌گیرند. عناصر جهان‌ساز ویژگی‌های زمانی، مکانی و فیزیکی جهان متن را نشان می‌دهند و از رهگذر فعل‌های زمان‌دار، گزاره‌ها، قیده‌ها، گروه‌های اسمی و ضمیرها و نمونه‌هایی از عبارات اشاره‌ای تحقق می‌یابند. گزاره‌های نقش‌گستر (دقیقاً فعل‌ها) روایت را پیش می‌برند و پویایی و حرکت را در جهان‌های متن رقم می‌زنند. با تغییر در زمان و مکان داستان از جهان متن اصلی فاصله می‌گیریم؛ در این صورت، شاهد تغییر جهان متن هستیم. به این‌ها جهان‌های فرعی یا خرده‌جهان می‌گویند. در واقع، لازمه این تغییر این است که توجه‌مان را به سمت یک جهان متنی جدید تغییر دهیم و آن را با مؤلفه‌های اشاره‌ای مختلف بیان کنیم. تغییر جهان معمولاً با پس‌نگاه / پیش‌نگاه، استعاره، منفی‌سازی، امری‌سازی یا ساخت‌های وجهی‌سازی نشان داده می‌شوند. به عبارتی دقیق‌تر، لایه خرده‌جهان به تغییرات زمانی و مکانی از جهان متن به خرده‌جهان اشاره دارد. افزون بر این‌ها، نگرش‌هایی که شخصیت‌های داستان از رهگذر ساخت‌های وجهی بیان می‌کنند خرده‌جهان وجهی آرزویی (بیانگر تمایلات)، تصمیمی (بیانگر اجبار) و وجهی معرفتی (بیانگر باور و میزان قطعیت) را می‌سازند. این خرده‌جهان‌های وجهی بر اساس مؤلفه‌های [وجهی] جهان متن ساخته می‌شوند (جیوانلی، ۲۰۱۰). جدول ۱ به‌طور خلاصه به این خرده‌جهان‌ها اشاره می‌کند.

جدول ۱....خرده‌جهان‌های متن (جیوانلی، ۲۰۱۰)

نوع جهان	مؤلفه‌های زبانی
جهان متن	
تغییر جهان	تغییر عبارت‌های اشاره‌ای زمانی و مکانی
جهان وجهی آرزویی	فرایندهای فعل وجهی تمایلات و خواسته‌ها
جهان وجهی تکلیفی	فرایندهای فعل وجهی اجبار یا الزام
جهان وجهی معرفتی	فرایندهای فعل وجهی باور یا فرض دانشی

این جهان‌های وجهی خواننده را وا می‌دارد تا هنگام خواندن متن تصویری از خرده‌جهان‌ها در ذهن ترسیم کند. به‌علاوه، با تکیه بر دانش پیش‌زمینه‌ای خواننده تغییراتی را هم ایجاد می‌کنند. گزاره‌های نقش‌گستر فعل‌هایی هستند که نقش آفرینان را در ارتباط با هم و نیز اشیای پیرامون آن‌ها را توصیف می‌کند، کنش‌ها را جلو می‌برد، یا بحثی را در موضوعی مطرح می‌کند. در کل، از آن‌جا که نظریه جهان متن به خواننده امکان می‌دهد تا

به بررسی متن پردازد و صورت‌بندی‌های مفهومی ایجاد کند، می‌تواند در تحلیل متن از جمله متن ادبی به کار بسته شود. در تحلیل متن، بافت نقش مهمی ایفا می‌کند. مفاهیم بافت و متن محور مطالعات گفتمان را تشکیل می‌دهند. وینفسکی (۲۰۰۷) توضیح می‌دهد که دو نوع بافت وجود دارد: بافت زبانی و بافت فیزیکی. بافت زبانی یا هم‌متن به واژه‌های پیرامون یک واحد واژگانی در یک جمله اشاره دارد. از سوی دیگر، بافت فیزیکی به موقعیت، زمان و مکانی اشاره دارد که این واژه‌ها در آن بیان می‌شوند. بنا به نظر لاینز (۱۹۹۶)، بافت صرفاً به متن پیرامون - یا واژه‌های پیرامون - اشاره ندارد، بلکه به محیط پاره‌گفتار هم برمی‌گردد. هرمن (۱۹۹۵) مفهوم بافت را، علاوه بر زمان و موقعیت یک پاره‌گفتار، بافت شناختی می‌داند، یعنی مجموعه‌ای از باورها، مفروضات، پیش‌فرض‌ها، چارچوب‌هایی که برای تفسیر کنش‌ها آن‌ها را فعال می‌سازند یا از آن‌ها بهره می‌برند. محیط زبانی‌ای که یک ویژگی زبانی در آن وقوع می‌یابد نیز بافت آن ویژگی نامیده می‌شود (ص ۱۴). برای رسیدن به معنایی مناسب برای پاره‌گفتار در بافت خودش (معنای کاربردشناختی یا گفتمانی) خواننده/شنونده می‌بایست بازنمایی‌های ذهنی از آن موقعیت را مدنظر قرار دهد. ون دایک (۱۹۹۱) اینگونه به اهمیت بالای بافت در فهم اشاره می‌کند: در طول یک مکالمه، یک سخنرانی، تعامل پزشکی و بیمار، خواندن روزنامه یا تماشای تلویزیون، شرکت کنندگان البته باید به صورت ذهنی، مثلاً با برنامه‌ریزی، اجرا، کنترل یا در واقع درک آنها، بر چنین برخوردهایی نظارت کنند. در اینجا پیشنهاد می‌شود که چنین بازنمایی‌های اپیزودیک در جریان و پیوسته به‌روزشده باید به‌عنوان نوع خاصی از الگوها، یعنی الگوی بافتی، مفهوم‌سازی شوند. در نتیجه، مطالعه جهان‌های ذهنی خلق‌شده توسط شخصیت‌ها به موازات پیش رفتن روایت‌ها به دریافت معنای گفتمانی موردنظر می‌انجامد. نظریه جهان متن از دل رویکردهای شناختی مطرح می‌شود و قرابت نزدیکی با زبان‌شناسی شناختی دارد. زبان‌شناسی شناختی، به‌عنوان واکنشی به رویکردهایی که صرفاً به بررسی ویژگی‌های نحوی زبان می‌پردازند، پردازش گفتمان را در کانون توجه قرار می‌دهد. لانگاکر معنا را هسته مرکزی زبان می‌داند و بر این باور است که هر زبان‌شناسی که تفسیر معنا را به‌بهای صورت‌های زبانی نادیده بگیرد «موضوع طبیعی و ضروری این رشته را به

شدت تضعیف می‌کند و در نهایت ویژگی پدیده‌های توصیف‌شده را مخدوش می‌سازد» (۱۹۸۷). موجودیت‌های انتزاعی در صورتی که جسمیت نیابند نمی‌توانند به درک گفتمان منجر شوند. به همین دلیل، مفهوم تجسم/ بدن‌مندی مؤلفه مهمی در زبان‌شناسی شناختی به حساب می‌آید (جانسون، ۱۹۸۷؛ لیکاف، ۱۹۸۷). در این رویکرد، یک مؤلفه شناختی باید بر اساس تجارب واقعی بنا شود تا بتوان معنا را درک کرد. فوکونیه (۲۰۰۲) زبان‌شناسی شناختی را چارچوبی نظری می‌داند که از ساختار آشکار و ظاهری گفتمان فراتر می‌رود تا فرایند مفهومی را که گفتمان تولید می‌کند و به برساختن معنا می‌انجامد، تحلیل کند. او توضیح می‌دهد که وقتی انسان‌ها درگیر فعالیت‌های زبانی می‌شوند، ناخودآگاه منابع شناختی و تجارب فرهنگی‌ای را بر می‌انگیزند که بافتار معنا را ایجاد می‌کند. زبان‌شناسی شناختی در مقام رویکردی برای مواجهه با رابطه بین زبان و شناخت، مفاهیم زیادی را در بر می‌گیرد از جمله نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰)، نظریه فضاها (فوکونیه، ۱۹۹۴، ۱۹۹۷)، نظریه آمیزه مفهومی (فوکونیه، ۱۹۹۷؛ فوکونیه و ترنر، ۱۹۹۸، ۲۰۰۲، ۲۰۰۶) و نظریه جهان متن (ورث، ۱۹۹۹؛ گاوینز، ۲۰۰۷). در پژوهش حاضر قصد داریم نظریه جهان متن را در سبک‌شناسی آموزشی به کار بندیم. الگوی سبک‌شناختی موردنظر پژوهش حاضر مبتنی بر محمدزاده (۲۰۱۷) است. محمدزاده با استفاده از نظریه جهان متن الگویی را برای سبک‌شناسی آموزشی داستان کوتاه ارائه می‌دهد. الگوی او مبتنی بر بخش‌های تشکیل‌دهنده نظریه جهان متن و فعالیت‌های سبک‌شناسی آموزشی است که به طور خلاصه در جدول ۲ می‌آوریم.

جدول ۲.... پرسش‌های سبک‌شناختی مبتنی بر نظریه جهان متن

پرسش‌های اصلی در مورد جهان گفتمان	عنوان «کابوس‌های شبانه» چه می‌گوید؟ فکر می‌کنید که داستان در مورد چیست؟
	آیا می‌توانید با استفاده از دانش پیش‌زمینه‌ای و جزئیات متنی فضایی مفهومی بسازید که با راوی مشترک باشد؟

پرسش‌های مربوط به جهان متن: این پرسش‌ها عمدتاً در مورد	داستان چه زمانی روی می‌دهد؟
	داستان کجا روی می‌دهد؟
	چه کسی قهرمان یا شخصیت اصلی است؟

جهان‌سازهای زمان، مکان، حاشیه‌ها و اشیاء چه هستند، و رخداد‌های اصلی کدام‌اند؟	شخصیت‌ها، رخدادها و اشیاء است. این پرسش‌ها به دانشجویان کمک خواهد کرد تا متن فیزیکی را به برساختی ذهنی تغییر دهند:
آیا هیچ تغییری در جهان وجهی آرزویی مشاهده می‌شود؟ (تمایل)	پرسش‌های مرتبط با خرده‌جهان: این پرسش‌ها به تغییر یا چرخش‌های جهان متن بر می‌گردد. مدرس می‌تواند این پرسش‌ها را از دانشجویان پرسد تا از این طریق بتوانند جهان‌های زیرشمول را کشف کنند.
آیا هیچ تغییری در جهان وجهی تصمیمی مشاهده می‌شود؟ (اجبار)	
آیا هیچ تغییری در جهان وجهی معرفتی مشاهده می‌شود؟ (باورها یا میزان قطعیت)	

تا آنجا که نگارنده اطلاع دارد، در زمینه سبک‌شناسی آموزشی و البته مبتنی بر نظریه جهان متن و نقش آن در خوانش انتقادی و فهم متن در زبان فارسی کاری صورت نگرفته‌است. اما در مورد نظریه جهان متن تحلیل‌هایی روی متن داستانی انجام شده است. در مطالعات فارسی، طی چند مقاله کاربرد نظریه جهان متن در تحلیل متون ادبی نشان داده شده است. صادقی (۱۳۸۹) بر اساس رویکرد بوطیق‌ای شناختی به بررسی عناصر جهان متن در داستان یوزپلنگانی که با من دویده‌اند می‌پردازد. نکته جالب توجه در این مقاله این است که صادقی می‌کوشد خوانشی مبهم و انتقادی از نجدی (صدیقی، ۱۳۸۸) را بر اساس نظریه جهان متن توضیح دهد و نشان دهد که ابهامات موردنظر صدیقی بر اساس نظریه جهان متن قابل تبیین است. گلفام، روشن و شیررضا (۱۳۹۳) هم با الگویی مشابه صادقی می‌کوشند به سراغ خوانش *شازده احتجاب* گلشیری بروند. آن‌ها ابتدا به شناسایی سه لایه «جهان متن»، «جهان گفتمان» و «خرده‌جهان» می‌پردازند و سپس پیوند جهان‌های متن خرد روایت در قالب یک جهان متن شامل را نشان می‌دهند. رستار (۱۳۹۴) بر این باور است که جهان متن را روشی برای تحلیل گفتمان دانسته‌اند اما گروهی دیگر به وجود تفاوت‌هایی میان این دو روش تحلیل متن اشاره کرده‌اند. همچنین نظریه جهان متن را گاه‌با

سبک‌شناسی خلط کرده‌اند که از نظر بعضی انجام این کار اشتباه است. بر این اساس، وی ابتدا به مبانی نظری این نظریه به تفصیل می‌پردازد و پس از آن به تفاوت‌های بنیادین آن با دو روش تحلیل متن دیگر یعنی سبک‌شناسی و تحلیل گفتمان اشاره می‌کند. افراشی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به تحلیل داستان «وداع»، اثر جلال آل‌احمد، با رویکرد شعرشناسی شناختی و برمبنای نظریه جهان‌های متن می‌پردازد. به باور افراشی (همان، ۱۷) تحلیل داستان «وداع» براساس این نظریه نشان داد که هرچند بسط جهان‌های فرعی اشاره‌ای و نگرشی در داستان «وداع» بسیار محدود بود، ولی جهان‌های فرعی معرفت‌شناختی که لایه‌های معنایی عمیق‌تری را نشان می‌دهند، در این داستان به‌طور گسترده‌ای قابل شناسایی‌اند. طلایی و عباسی (۱۳۹۹) بر این باورند که نظریه جهان متن به تحلیل متون، برگرفته از رویکرد شعرشناسی شناختی، دریچه تازه‌ای به روی انسان برای کشف چگونگی عملکرد ذهن و چگونگی ساخت یک بازنمایی ذهنی می‌گشاید. بر این اساس، در بستر این رویکرد به بررسی روایت‌های تاریخ بیهقی می‌پردازند. رفایی قدیمی و غلامحسین‌زاده (۱۳۹۹) به بررسی کارکرد نظریه جهان‌های متن، به‌مثابه یکی از ابزارهای زیبایی‌شناسی شناختی در تحلیل شعر فارسی می‌پردازند. برای نیل به هدف، یک غزل از سعدی و یک شعر آزاد نیمایی را تحلیل و کارکرد نظریه جهان‌های متن را در آن‌ها بررسی کرده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این نظریه برای تحلیل شعر نو، ابزار مناسب‌تری است و در شعر کلاسیک، خصوصاً شعر غنایی، به دلیل محدودیت‌های ذاتی این نوع شعر و نیز عدم روشنی سیر اندیشه، با موانعی مواجه است. وهابیان و همکاران (۱۴۰۰) با هدف شناسایی عناصر جهان‌های متن در داستان *قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی اثر صادق هدایت* چارچوب انگاره جهان‌های متن ورث (۱۹۹۹) را به کار گرفتند. بررسی‌های آن‌ها نشان داد که هدایت از عنصر «زمان» برای ایجاد تعلیق در داستان استفاده کرده و مدام داستان را در زمان‌های متفاوت به جریان می‌اندازد تا مخاطب خود را در تعلیق نگه‌دارد. این در حالی است که شخصیت‌ها، مکان‌ها و اشیاء کاملاً مشخص هستند و تعلیقی در آن‌ها دیده نمی‌شود. نتایج این پژوهش نشان داد که گزاره‌های نقش‌گستر به-کاررفته در جهان متن این داستان عموماً توصیفی‌اند، زیرا نویسنده باید برای القای تصویر،

توصیف کند و خواننده نیز برای برقراری ارتباط با داستان باید تصویرسازی کند. همچنین، از نظر جهان‌های زیرشمول نیز در این داستان، اشاره‌ی مکانی چندان پررنگ نیست و در عوض نویسنده بیشتر بر زمان تأکید دارد. در زمینه‌ی نظریه‌ی جهان‌متن در خارج از ایران کارهای زیادی انجام شده است؛ بنابراین می‌کوشیم آثار مرتبط با پژوهش حاضر را معرفی کنیم تا خود نظریه‌ی جهان‌متن را. از جمله کارهای قابل توجه در غرب در مورد کاربرد نظریه‌ی جهان‌متن در سبک‌شناسی آموزشی می‌توان به دو کار محمدزاده (۲۰۱۷) و جیوانلی (۲۰۱۰) اشاره کرد. این دو می‌کوشند با استفاده از رویکرد سبک‌شناسی آموزشی مبتنی بر نظریه‌ی جهان‌متن الگویی را برای آموزش ادبیات در اختیار مدرسان قرار دهند. محمدزاده (۲۰۱۷) هم به تأسی از جیوانلی الگویی را برای آموزش زبان از رهگذر داستان کوتاه معرفی می‌کند. در طرح حاضر هم از روش پیشنهادی محمدزاده استفاده شده است. کاشینگ و جیوانلی (۲۰۱۹) به مسئله‌ای دیرینه در دانشگاه‌های بریتانیا اشاره می‌کنند که جداسازی زبان از ادبیات است. به باور آنها این جداسازی مشکل‌ساز است و پیشنهاد می‌کنند که مدرسان می‌توانند به سبک‌شناسی به‌عنوان شیوه‌ای برای درک ادبیات روی آورند. وایتلی^۱ (۲۰۱۰) جهان‌های متن را در سه رمان باقی‌مانده‌ی روز^۲ (۱۹۸۹)، بی‌تسلی^۳ (۱۹۹۵)، هرگز مرا رها مکن^۴ (۲۰۰۵) بررسی کرد. هالام^۵ (۲۰۱۳) چارچوب شناختی نظریه‌ی جهان‌متن را روی داستان کوتاه‌ی متینه^۶ به کار بست و به شناسایی جهان‌های متن و روابط میان آنها پرداخت. اسماعیلی (۲۰۱۵) رویکرد جهان‌متن را برای بررسی چیزهایی که حمل می‌کردند^۷ اثر تیم اوبرین^۸ به کار بست. کانینگ^۹ (۲۰۱۷) بافت‌های خواندن را با خوانندگان واقعی در زندان زنان ایرلند بررسی کرد. نظریه‌ی جهان‌متن به کار

-
1. Whitely
 2. The Remains of the Day
 3. Unconsoled
 4. Never Let Me Go
 5. Hallam
 6. Matinée
 7. The Things They Carried
 8. Tim O'Brien
 9. Canning

گرفته شد تا درگیری خوانندگان در صحبت با مشارکان را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین، و نظر به این ملاحظات در این پژوهش، با تکیه بر یافته‌های روان‌شناسی شناختی و زبان‌شناسی شناختی در درک متن، کاربست آن‌ها در تحلیل گفتمان را نشان خواهیم داد. بنابراین اهداف اصلی در این پژوهش رسیدن به روشی است که فرایند خواندن و فهم متن را بهبود بخشد. این روش با استفاده از نظریه جهان متن، به عنوان رویکردی گفتمانی و شناختی، و با بهره بردن از مفاهیم سبک‌شناسی آموزشی موردآزمون قرار می‌گیرد. متناسب با این هدف، پرسش اصلی پژوهش این خواهد بود که:

۱- آیا بخش‌های مختلف نظریه جهان متن می‌توانند در فرایند خوانش و درک متن

نقشی ایفا کنند؟ و چگونه؟

به عبارتی: بخش‌های جهان گفتمان و توجه به آن‌ها طی خواندن متن چه تأثیری بر فرایند خواندن متن و بهبود درک متن دارند؟ بخش‌های جهان متن و توجه به آن‌ها طی خواندن چه تأثیری بر فرایند خواندن و بهبود درک متن دارند؟ بخش‌های خرده‌جهان و توجه به آن‌ها طی خواندن متن چه تأثیری بر فرایند خواندن و بهبود درک متن دارند؟ در کنار این پرسش‌ها، می‌توانیم پرسش‌های کلی‌تر و فرعی دیگری را نیز مطرح کنیم که می‌کوشیم با توجه به پرسش اول پاسخ دهیم: طی فرایند خواندن و تفسیر متن، چه فرایندهای ذهنی‌ای درک گفتمان را برای ما ممکن می‌سازند؟ چگونه متن و گفتمان را به عنوان یک کل پیوسته درک می‌کنیم؟

روش پژوهش

الف) روش

پژوهش حاضر از نوع کمی - کیفی است و پیکره مورد بررسی با استفاده از پرسشنامه‌ای منطبق با نظریه جهان متن تهیه شده است. برای تحلیل پیکره و آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است. به منظور تهیه پیکره مورد بررسی، تعداد ۷۵ پرسشنامه توزیع و تعداد ۷۵ پرسشنامه جمع‌آوری شد و متن نوشته‌شده آن‌ها بر اساس بخش‌های مختلف نظریه جهان متن تحلیل شد. وضعیت مؤلفه‌های پرسشنامه از دیدگاه

پاسخ‌دهندگان و تعداد اشاره آن‌ها به بخش‌های نظریه جهان متن، هم پیش از خواندن پرسشنامه و هم پس از خواندن پرسشنامه (با توجه به پرسشنامه جدول ۲) استخراج شد. این داده‌های آماری از طریق محاسبه میانگین و انحراف معیار آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت که در جدول ۷ ارائه شده است.

ب) شیوه تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از شیوه تحلیل محتوای کمی استفاده کردیم. روایی تحقیق به دو صورت شاخص نسبت روایی محتوایی^۱ و شاخص روایی محتوایی^۲ محاسبه گردید که نتایج به شرح جدول ۷ است. قبل از تحلیل پرسشنامه باید پایایی آن توسط ضریب آلفای کرونباخ، که مبتنی بر واریانس است، بررسی شود. در این خصوص، ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های اصلی و کل پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS محاسبه شده است. نتایج محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و مؤلفه‌های اصلی در جدول ۵ ارائه شده است. برای استفاده از تکنیک آماری ابتدا باید مشخص شود که پیکره جمع‌آوری شده از توزیع نرمال برخوردار است یا غیرنرمال. چون در صورت نرمال بودن توزیع داده‌های جمع‌آوری شده، برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود و در صورت غیرنرمال بودن از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده کرد. نتایج مربوط به بررسی نرمال بودن با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در جدول ۶ ارائه شده است. به منظور بررسی فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه «تفاوت معنی‌داری میان برداشت پرسش‌شونده‌ها از متن داستان قبل از مطالعه پرسشنامه و بعد از آن وجود دارد»، از آزمون t وابسته در نرم‌افزار SPSS.18 استفاده می‌شود و نتیجه آزمون در جدول ۷ ارائه شده است.

ج) پیکره

پیکره پژوهش را داستانی کوتاه، داستان کابوس‌های شبانه از مجموعه‌هاویه، از ابوتراب خسروی تشکیل می‌دهد. از دانشجویان سال سوم رشته پزشکی خواسته شد متن را بخوانند و بعد از خواندن آن برداشت‌شان را از معنای متن بیان می‌کنند. سپس پرسشنامه‌ای مبتنی بر

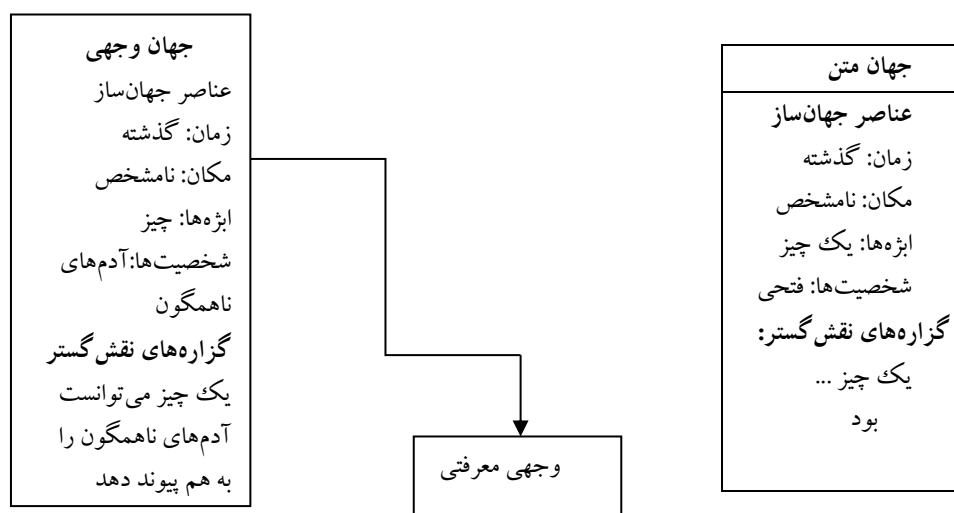
1. Content validity ratio (CVR)
2. Content validity index (CVI)

نظریه جهان‌متن در اختیار آن‌ها قرار داده می‌شود و از آن‌ها خواسته می‌شود تا این بار بر اساس این پرسشنامه به خواندن و بیان معنای موردنظر خود از متن پردازند. در نهایت، برداشت آن‌ها از داستان، یعنی متن تولیدی آن‌ها از داستان، پیش از خواندن پرسشنامه و پس از آن مورد ارزیابی و تحلیل کمی و کیفی قرار می‌گیرد. شرکت‌کنندگان در این آزمون دانشجویان پزشکی سال دوم تحصیلی در دانشگاه دولتی بودند و نام‌های آن‌ها فرضی است و تغییر داده شد. میانگین سنی آن‌ها بین ۱۹ تا ۲۳ سال بود. ۳۵ نفر از این دانشجویان پسر بودند و ۴۰ نفر آن‌ها دختر. پرسشنامه و متن داستان به صورت فایل برای آن‌ها ایمیل شد و آن‌ها پاسخ خود را به صورت تایپ‌شده و تشریحی بازپس فرستادند. پاسخ آن‌ها، به عنوان متن و پیکره تحلیل، مورد بررسی قرار گرفت و مؤلفه‌های نظریه جهان‌متن از میان نوشته‌های آن‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. برای پاسخ به پرسشنامه محدودیت زمانی وجود نداشت بدین خاطر که این محدودیت مانع تعمق آن‌ها در متن داستان و در پرسشنامه نشود. هرچه دانشجویان به تعداد بیشتری از مؤلفه‌های نظریه جهان‌متن اشاره می‌کردند، نمره آن‌ها، طبق جدول‌های ارائه‌شده، بالاتر بود و هرچه کمتر به این مؤلفه‌ها می‌رسیدند و در متن ارسالی آن‌ها اثری از آن‌ها نبود، نمره‌شان در آن مورد کمتر می‌شد. این نکته بیشتر در پاسخ و نوشته‌های آن‌ها پیش از مطالعه پرسشنامه مشاهده می‌شود و بعد از مطالعه پرسشنامه و خواندن داستان با توجه به آن، توان آن‌ها در اشاره به مؤلفه‌های جهان‌متن، و بنابراین ره بردن به جهان داستان بیشتر می‌شد.

د) نمونه‌ای از تحلیل جهان‌متنی داستان

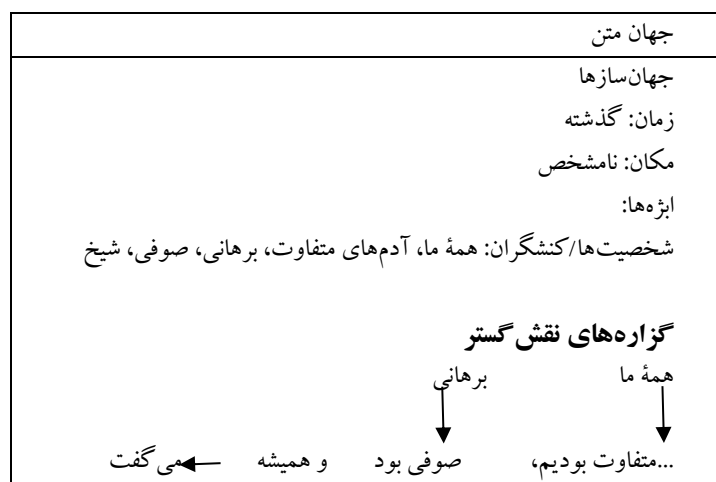
«هاویه» مجموعه ۱۴ داستان کوتاه است که «ابوتراب خسروی» نویسنده معاصر آن‌ها را در دهه ۶۰ به قلم تحریر درآورده و در سال ۱۳۷۰ منتشر شده است. در پشت جلد این کتاب به نقل از ابوتراب خسروی درباره روند نویسندگی اش آمده: «من به داستان به عنوان یکی کپی از زندگی نگاه نمی‌کنم. کپی کردن شکل عادی بخشی از زندگی برای من نویسنده ارزشی ندارد. داستانی که می‌نویسم باید جهانی تازه، شرایطی تازه، داشته باشد. باید اشیاء و رفتار اشیاء شکل بدیعی به داستان بدهد. باید یک زیبایی تازه خلق کرد. زیبایی‌ای که حتماً معنادار خواهد بود. استمرار در نوشتن به منظور کشف فضاهای تازه در حین نوشتن است.»

چرا که نوشتن کشف است.» داستان کابوس‌های شبانه اینگونه آغاز می‌شود. یک چیز غریب در فتحی بود که می‌توانست آدم‌های ناهمگون را به یکدیگر پیوند دهد. همه ما آدهم‌های متفاوتی بودیم، برهانی صوفی بود و همیشه از کرامات شیخ می‌گفت. ستوده شافعی بود و اگرچه متعصب نبود ولی در جدل‌ها از موضعی کاملاً جزمی سخن می‌گفت. راسخ تناقض‌گویی می‌کرد. و فتحی وجود مشترک عقاید را خاطر نشان می‌شد. خبر مرگ خیلی زود منتشر می‌شود. همه قراین گواه بودند. زمان و مکان مرگش را کسی نمی‌دانست. رفا ادا احترام کردند. ختم گرفتند. ستوده از صبح تا ظهر قرآن خواند. برهانی و ستوده بانی بودند. ما جلو در نشسته بودیم. همه تسلیم می‌گفتند. هر چند ما هیچ قرابتی با فتحی نداشتیم. ولی یک نوع وابستگی‌ای مشترک و غیرقابل انکار بود که به مرگ او احساس تعلق می‌کردیم می‌توان برای تک‌تک جمله‌ها و پاراگراف‌های این متن، با رسم نمودار، همچنان که در این نظریه مرسوم است، جهان متن و خرده‌جهان‌ها و خاصه تغییر جهان‌ها و جهان‌های وجهی را نشان داد و از این طریق از رهگذر بازنمودهای ذهنی مشارکان به جهان‌های متن و جهان‌های گفتمانی رسید. در تحلیل‌ها، تحلیل کل متن بر تحلیل جمله‌ها اولویت دارد اما برای رسید به معنای کل متن ناگزیر از تحلیل جمله‌ها هستیم تا بتوانیم از یک سو، پویایی و حرکت رو به جلوی متن از رهگذر گزاره‌های نقش‌گستر و عناصر جهان‌ساز را نشان دهیم و از سوی دیگر روشن سازیم که اندیشه‌های حاکم بر متن چگونه خود را از رهگذر خرده‌جهان‌ها (خاصه وجهی‌های آرزویی، تکلیفی و معرفتی) نشان می‌دهند. برای نمونه به تحلیل چند بخش از متن کتاب بسنده می‌کنیم و در مابقی تحلیل‌ها بر نوشته‌های دانش‌جویان متمرکز می‌شوم. جمله اول را می‌توان با نمودار زیر توضیح داد. جهان گفتمان این متن به ارتباط دوستانی با اشاره دارد که هر یک عقاید متفاوتی دارند. جمله اول، جمله مرکبی است که با وجود یک عنصر وجهی معرفتی جهان متن معرفتی را می‌سازد. جمله دوم هم با همان زمان و بدون وجهی‌ها پیش می‌رود و تغییری در جهان متن ایجاد نمی‌کند.



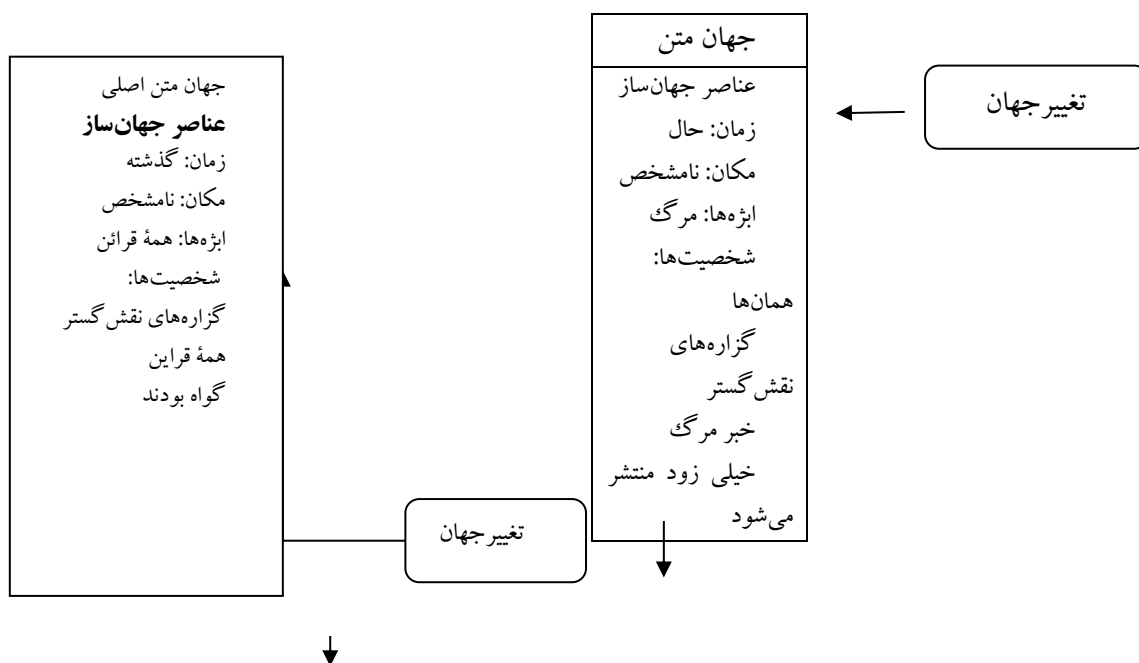
شکل ۲: جهان متن در جمله ۱ یک چیز غریب در فتحی بود که می‌توانست آدم‌های ناهمگون را به یکدیگر پیوند دهد. جهان گفتمان روایت به توصیف چند شخصیت می‌پردازد که هر کدام را واجد دیدگاه متفاوتی می‌داند: فتحی، برهانی، ستوده، راسخ. همه این شخصیت‌ها متعلق به زمان و مکانی در گذشته‌اند. هرچند مکان آن‌ها چندان مشخص نیست. به عبارتی، از لحاظ زمینه‌های زمانی و مکانی با هم مشترک‌اند. این نکته موجب می‌شود که جهان گفتمان یکپارچه شود و می‌توان در معنای ارتباطی متن هم این نکته را مشاهده کرد. البته در این نوع روایت می‌توان گفت که شخصیت‌های اصلی، جدای از شخصیت‌های درون متن، عبارت‌اند از راوی و روایت‌شنو. نوع روایت به شکل دانای کل است و راوی از درون شخصیت‌ها خبر دارد و به توصیف کامل آن‌ها می‌پردازد. شروع داستان هم به صورت روایت توصیفی است «یک چیز غریب در فتحی بود که می‌توانست آدم‌های ناهمگون را به یکدیگر پیوند دهد». همچنان که در نمودار می‌بینیم، جهان‌سازهای این بخش از متن که اصولاً در شناسه فعل نمود می‌یابند، نشان می‌دهند که داستان در زمان گذشته روایت می‌شود. ابژه‌های اصلی که در اینجا «یک چیز» است درون یک رابطه اسنادی توصیف می‌شود. نوع گزاره نقش‌گستر در جمله اول دلالت بر «وجود» و «حضور» دارد. این گزاره راه را برای توصیف ویژگی‌های شخصیت‌ها، چه ویژگی‌های جسمی و چه ذهنی، باز می‌کند. جمله دوم هم جهان متن مشابهی را نشان می‌دهد.

توصیف‌ها قدری روشن می‌شود اما زمان و مکان همچنان مانند قبل است: زمان به گذشته بر می‌گردد و مکان همچنان نامشخص است یا اشاره‌ای به آن نمی‌شود. ابژه‌ای که در جمله قبل به صورت «یک چیز» بیان شده بود در اینجا کمی روشن می‌شود. نقش گسترهای متن هم وضعیت شخصیت‌های درون متن را از زبان راوی توصیف می‌کنند. در این جمله تغییری در زمان مشاهده نمی‌شود پس جهان متن هم تغییری ندارد. از طرفی، نگرش خاصی از طریق وجهیت بیان نمی‌شود، بنابراین جهان وجهی هم شکل نمی‌گیرد.



شکل ۳ نمودار جهان‌متن جمله دوم: همه ما آدم‌های متفاوتی بودیم، برهانی صوفی بود و همیشه از کرامات شیخ می‌گفت. مابقی جمله‌های این پاراگراف به بسط جمله‌های قبل می‌پردازد و همان روند را طی می‌کند تا واقعیت مشخصی را نشان دهد. راوی هم همان جهان متن آغازین را پی می‌گیرد و جهان متن جدیدی نمی‌آفریند. تنها در جمله سوم است که می‌توانیم نمود نوعی جهان وجهی معرفتی را مشاهده کنیم که با ساختار «اگر..پس» خود را نشان می‌دهد. این جمله کمی با ساختار پیچیده‌تری ظاهر می‌شود و برای بازنمایی نموداری این جمله می‌توانیم بدین شکل عمل کنیم: در پاراگراف دوم هم راوی همان موقعیت را حفظ می‌کند. با تغییر زمان فعل، تغییری در جهان متن مشاهده می‌شود اما

بلافاصله با بازگشت به زمان گذشته به جهان متن اصلی باز می‌گردد و با توصیفاتی از شخصیت‌ها به روایت وضوح بیشتری می‌بخشد و نگرش شخصیت‌ها را برای مخاطب روشن‌تر می‌کند.



شکل ۴: جهان متن جمله خبر مرگ خیلی زود منتشر می‌شود. همه قرائن گواه بودند. باری، کوشیدیم گوشه‌ای از ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های متن را در دو پاراگراف اول نشان دهیم تا متذکر شویم که حین مواجهه با متن به چه نکاتی باید توجه کرد و معنای متن در کجاها رقم می‌خورد؛ چه عناصری در بازنمایی ذهنی خواننده تأثیر دارد تا حین تحلیل متن بدان‌ها توجه شود. در کل، در این داستان عناصر جهان‌ساز، که عمدتاً در قالب گروه‌های اسمی مانند «یک چیز غریب / آدم‌های ناهمگون / آدم‌های متفاوت / برهانی / ستوده / راسخ / قوچ / کوهستان / شیء سفالی، دیوارهای شمداد و ...» تحقق می‌یابند، جهان متن اصلی را می‌سازند. گزاره‌های نقش‌گستر که عمدتاً در قالب فعل‌های گذشته ساده‌ای مانند «بود / بودیم / می‌گفت / ادای احترام کردند / نمی‌دانست / ختم گرفتند / بانی بودند / قرابتی نداشتیم»

نمود می‌یابند، داستان را به پیش می‌برند اما با توجه به نوع گزاره‌ها انتظار نمی‌رود حس پویایی آنچنانی به جهان متن بدهند. در مقابل، این حس به خاطر بندهای کوتاه و پی در پی و عمدتاً ساده در هم شکسته می‌شود و پویایی متن از این طریق رقم می‌خورد یا تقویت شود و به متن سرعت دهد. در جهان‌های فرعی، شاهد تغییر زمان زیادی نیستیم، چون داستان اصولاً در زمان گذشته است و اگر هم تغییری باشد از گذشته ساده به گذشته بعید یا گذشته استمراری است: «چیز غریبی در فتحی بود که می‌توانست آدم‌های ناهمگون را به هم پیوند دهد/ برهانی ... بود و ... می‌گفت/ ما ... نشسته بودیم. همه تسلیم می‌گفتند...». اگر هم تغییری در زمان از گذشته به حال بود، بلافاصله دوباره بازگشت به زمان گذشته را شاهد بودیم. اما گاهی از طریق نقل قول و تغییر زمان جهان‌های فرعی تغییر می‌کند: «برهانی می‌گفت ما فقط از مرگ او باخبریم و تأکید می‌کرد و احساساتش ناشی از صمیمیت او به آقای فتحی است»، «راسخ می‌گفت چگونگی مرگ را تحقیق خواهد کرد»، «راسخ می‌گفت: مجبور بوده او را سر ببرد، چرا که در دره‌ای جانکاه رنج می‌برده»، «راسخ ساعت‌ها غثیان می‌کرد و می‌گفت: از گوشت آن قوچ کوهی خورده و اصرار می‌کرد که ما هم از آن گوشت خورده‌ایم»، «برهانی معتقد بود که او در حال دوران در جهان‌های متفاوت است و نتیجه می‌گرفت که جهان‌های متفاوت منطق‌های ناهمگونی دارند». چنان که می‌بینیم، در هنگام نقل قول زمان فعل و متعاقب آن زمان جهان داستان را تغییر می‌دهد، به عبارتی، جهان متن جدیدی می‌افریند که نسبت به جهان اصلی فرعی قلمداد می‌شود.

تغییر جهان با وجهی‌های احتمال هم ممکن می‌شود. یعنی، در مواردی وجهی‌هایی حاکی از احتمال در متن می‌آیند (مثل بایستن، توانستن، ممکن بودن و ...) که خرده‌جهان معرفتی را می‌سازد یا نگرش شخصیت‌های را بیان می‌دارد. در هر صورت، از طریق این گزاره‌ها خرده‌جهان معرفتی شکل می‌گیرد. نکته جالب اینکه، در این متن اداتی که حاکی از نوعی احتمال باشد تا از این طریق تغییر جهان داستان را رقم زند مشاهده نمی‌شود. گاهی کاربرد ادات نفی هم به ساخت این خرده‌جهان می‌انجامد: «خبر مرگ خیلی زود منتشر می‌شود. همه قرائن گواه بودند. زمان و مکان مرگش را کسی نمی‌دانست»، «همه تسلیم می‌گفتند ... هر چند که ما هیچ قرابتی با فتحی نداشتیم». نوع دیگری از تغییر جهان به خرده‌جهان از رهگذر گزاره‌هایی که حاکی از آرزو و تمنا یا نگرش شخصیت باشد بیان می‌شود. «خواستن، آرزو کردم، خواب دیدن و رؤیا دیدن» از جمله این گزاره‌هاست. این گزاره‌ها خواننده را از جهان اصلی متن به جهان‌های فرعی سوق می‌دهد. از جمله

نمونه‌های مشاهده شده در متن عبارت‌اند از: «هیئت‌های متفاوت فتحی در کابوس‌های شبانه همیشه بحث‌انگیز بود. راسخ او را در شمایل قوچ کوهی دیده و ساعت‌ها او را گم کرده بود». از این نمونه‌ها هم در متن زیاد دیده نمی‌شود.

یافته‌ها

در این بخش با بهره‌گیری از تکنیک‌های آماری مناسب که با روش تحقیق، نوع متغیرها و سازگاری دارد، داده‌های جمع‌آوری شده را دسته‌بندی و تحلیل می‌کنیم و در نهایت فرضیه‌هایی را که تا این مرحله تحقیق را هدایت کرده‌اند در بوته آزمایش قرار می‌دهیم؛ و سرانجام می‌کوشیم پاسخ یا راه‌حلی برای پرسش تحقیق بیابیم. در این تحقیق، پیکره مورد بررسی از طریق پرسشنامه به دست آمده‌اند. برای تحلیل پیکره و آزمون فرضیه‌ها از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

توصیف آماری سؤالات پرسشنامه

در پرسشنامه‌های تحقیق، بخشی از سؤالات با عنوان مشخصات فردی اختصاص یافته است، اما از آنجا که متغیرهایی مانند سن، جنس، میزان تحصیلات و مانند این‌ها جزو متغیرهای تحقیق نبوده‌اند، از دایره مسائل مورد بررسی کنار گذاشته می‌شوند و تنها پرسشنامه تحقیق مورد مذاقه قرار می‌گیرد. در این خصوص، تعداد ۷۵ پرسشنامه توزیع و تعداد ۷۵ پرسشنامه جمع‌آوری شد و مورد تحلیل قرار گرفت.

بررسی وضعیت مؤلفه‌های پرسشنامه

وضعیت مؤلفه‌های پرسشنامه از دیدگاه پاسخ‌دهندگان از طریق محاسبه میانگین و انحراف معیار آنها مورد بررسی قرار گرفته است که آماره‌های مذکور در جدول ۳ ارائه شده است. همانطور که مشاهده می‌شود، میانگین تمامی مؤلفه‌ها بیشتر از ۵ است که از نظر حداقل و حداکثر نمره در هر بُعد که از ۱ تا ۹ است و با محاسبه متوسط نمره این دامنه یعنی ۵، می‌توان گفت که وضعیت مؤلفه‌های موجود در مدل تحقیق بیش از متوسط است. انحراف معیار که میزان پراکندگی اطلاعات نسبت به میانگین را نشان می‌دهد، بیانگر آن است که پراکندگی امتیازات اختصاص یافته به مؤلفه‌های تحقیق نسبت به میانگین کم می‌باشد.

جدول ۳.... بررسی وضعیت مؤلفه‌های پرسشنامه از نظر میانگین و انحراف معیار

مؤلفه	قبلاز مطالعه پرسشنامه		بعداز مطالعه پرسشنامه		
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
عناصر جهان‌ساز	۵/۲۵	۱/۸۵	۶/۳۸	۲/۴۱	زمان گذشته
	۵/۰۸	۱/۳۳	۷/۴۱	۲/۱۱	زمان حال
گزاره‌های نقش گستر	۵/۴۱	۱/۶۶	۵/۶۶	۱/۷۱	زمان آینده
	۵/۵۳	۱/۷۹	۷/۶۹	۲/۲۰	مکان
خرده‌جهان‌ها	۵/۵۵	۱/۶۵	۷/۷۵	۲/۱۶	ایژه
	۵/۶۵	۱/۴۵	۶/۳۸	۲/۵۵	شخصیت
	۵/۶۲	۱/۶۸	۷/۴۶	۲/۲۳	کنش
	۵/۵۲	۱/۵۶	۶/۶۱	۲/۳۱	وصفی
	۵/۴۳	۱/۵۹	۵/۹۳	۱/۹۸	ربطی
	۵/۰۱	۱/۷۳	۵/۷۹	۲/۰۵	امری
	۵/۴۵	۱/۹۵	۶/۲۹	۲/۲۸	وجهی
	۵/۱۸	۱/۵۳	۶/۴۲	۲/۱۳	تکلیفی
	۵/۵۱	۱/۷۸	۷/۱۵	۲/۱۱	معرفتی

توصیف استنباطی سؤالات پرسشنامه تحقیق

بررسی روایی پرسشنامه

روایی تحقیق به دو صورت شاخص نسبت روایی محتوایی و شاخص روایی محتوایی محاسبه گردید که نتایج به شرح جدول ۴ است.

جدول ۴ روایی متغیرهای پرسشنامه

بعد از مطالعه پرسشنامه		قبل از مطالعه پرسشنامه		مؤلفه
CVR	CVI	CVR	CVI	
۷۹	۰/۹۴	۰/۸۱	۰/۹۲	عناصر جهان ساز
۰/				زمان گذشته
۸۱	۰/۹۳	۰/۷۶	۰/۸۷	زمان حال
۰/				زمان آینده
۸۳	۰/۸۹	۰/۷۹	۰/۹۰	مکان
۰/				ابژه
۷۹	۰/۹۰	۰/۷۴	۰/۸۷	شخصیت
۰/				گزاره‌های نقش گستر
۸۰	۰/۹۰	۰/۷۶	۰/۸۹	کنش
۰/				وصفی
۸۵	۰/۸۹	۰/۸۲	۰/۹۰	ربطی
۰/				امری
۷۲	۰/۸۵	۰/۷۶	۰/۸۹	خرده جهان ها
۰/				وجهی
۷۶	۰/۸۸	۰/۷۷	۰/۹۱	تکلیفی
۰/				معرفتی
۷۶	۰/۹۱	۰/۷۵	۰/۹۱	
۰/				
۷۳	۰/۸۵	۰/۸۱	۰/۸۸	
۰/				
۷۷	۰/۸۵	۰/۷۹	۰/۸۸	
۰/				
۷۹	۰/۹۰	۰/۷۶	۰/۸۵	
۰/				
۷۳	۰/۸۸	۰/۷۹	۰/۸۷	
۰/				

بررسی پایایی پرسشنامه

قبل از تحلیل پرسشنامه باید پایایی آن توسط ضریب آلفای کرونباخ، که مبتنی بر واریانس است، بررسی شود. در این خصوص، ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های اصلی و کل پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS محاسبه شده است. نتایج محاسبه ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و مؤلفه‌های اصلی در جدول ۵ ارائه شده است که از ۰/۸۰ تا ۰/۹۳ متغیر است. نتایج نشان می‌دهد پرسشنامه مذکور از انسجام درونی مناسب و مطلوبی برخوردار است. در بررسی خرده مقیاس‌های پرسشنامه نیز مشاهده می‌گردد این ضریب برای تمامی آنها در سطح مطلوبی قرار دارد.

بررسی نرمال بودن متغیرهای تحقیق

برای استفاده از تکنیک آماری ابتدا باید مشخص شود که داده‌های جمع‌آوری شده از توزیع نرمال برخوردار است یا غیرنرمال. چون در صورت نرمال بودن توزیع داده‌های جمع‌آوری شده، برای آزمون فرضیه‌ها می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود و در صورت غیرنرمال بودن از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده کرد. نتایج مربوط به بررسی نرمال بودن با استفاده از آزمون کولموگروف - اسمیرنف در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶ نتیجه آزمون نرمال بودن متغیرهای پرسشنامه مؤلفه

بعد از مطالعه پرسشنامه		قبل از مطالعه پرسشنامه		مؤلفه			
آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری		
۰/۱۴۸	۷۴	۰/۰۷۴	۰/۱۳۴	۷۴	۰/۰۵۵	زمان گذشته	عناصر جهان ساز
۰/۱۹۶	۷۴	۰/۰۸۹	۰/۱۱۵	۷۴	۰/۰۷۶	زمان حال	
۰/۱۵۵	۷۴	۰/۰۷۵	۰/۲۰۸	۷۴	۰/۰۶۵	زمان آینده	
۰/۱۴۲	۷۴	۰/۰۷۵	۰/۱۶۲	۷۴	۰/۰۷۲	مکان	
۰/۱۳۹	۷۴	۰/۰۷۵	۰/۱۲۵	۷۴	۰/۰۶۹	ابژه	
۰/۱۶۵	۷۴	۰/۰۷۸	۰/۰۸۱	۷۴	۰/۰۶۷	شخصیت	
۰/۱۵۲	۷۴	۰/۰۶۵	۰/۱۱۲	۷۴	۰/۰۶۹	کنش	گزاره های نقش گستر
۰/۱۵۶	۷۴	۰/۰۶۲	۰/۰۹۵	۷۴	۰/۰۷۵	وصفی	
۰/۱۵۱	۷۴	۰/۰۷۵	۰/۱۵۹	۷۴	۰/۰۶۸	ربطی	
۰/۱۸۱	۷۴	۰/۰۶۷	۰/۰۸۸	۷۴	۰/۰۵۹	امری	
۰/۱۵۷	۷۴	۰/۰۷۲	۰/۱۲۳	۷۴	۰/۰۷۸	وجهی	خرده جهان ها
۰/۱۹۶	۷۴	۰/۰۸۱	۰/۱۱۱	۷۴	۰/۰۸۵	تکلیفی	
۰/۱۵۴	۷۴	۰/۰۷۸	۰/۲۱۵	۷۴	۰/۰۶۹	معرفتی	

باتوجه به نتایج جدول فوق چون مقدار سطح معنی داری برای تمامی ابعاد بزرگتر از مقدار خطا ۰/۰۵ است، بنابراین متغیر پرسشنامه دارای توزیع نرمال می باشد.

آزمون فرضیه های تحقیق

در این قسمت به منظور بررسی فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه «تفاوت معنی داری میان برداشت پرسش شونده ها از متن داستان قبل از مطالعه پرسشنامه و بعد از آن وجود دارد»، از آزمون t وابسته در نرم افزار SPSS.1 استفاده می شود. در جدول ۷ نتیجه آزمون ارائه شده است

جدول ۷... آزمون مقایسه زوجی تفاوت معنی داری قبل و بعد از مطالعه پرسشنامه

مؤلفه	آماره تی	سطح معناداری	درجه آزادی
زمان گذشته	۴,۰۳۹	۰,۰۲۱	۷۴
زمان حال	۳,۲۴۵	۰,۰۸۵	۷۴
زمان آینده	۲,۷۳۶	۰,۱۹۴	۷۴
مکان	۳,۱۷۱	۰,۱۰۷	۷۴
ایژه	۴,۷۷۹	۰,۰۱۱	۷۴
شخصیت	۳,۹۷۴	۰,۰۳۳	۷۴
کنش	۳,۲۶۸	۰,۰۶۵	۷۴
وصفی	۲,۹۸۹	۰,۱۳۶	۷۴
ربطی	۲,۶۸۸	۲,۶۸۸	۷۴
امری	۲,۷۳۴	۲,۷۳۴	۷۴
وجهی	۲,۱۷۵	۰,۲۷۱	۷۴
تکلیفی	۲,۹۸۰	۰,۱۵۳	۷۴
معرفتی	۲,۳۸۷	۰,۲۴۶	۷۴

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می گردد میان میانگین قبل از مطالعه پرسشنامه و بعد از آن اختلاف معنی داری وجود دارد. بنابراین فرضیه صفر رد و فرض مقابل پذیرفته می شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر کوشیدیم تا با استفاده از نظریه جهان متن رویکردی سبک‌شناختی به فهم متن را بسط دهیم. به عبارتی، قصد ما این بود تا نشان دهیم که چگونه می‌توان با به کارگیری نظریه جهان متن، واکنش خواننده به متن را برانگیخت و او را به سمت آگاهی زبانی و درک بهتر متن سوق داد. بدین منظور، پرسش‌نامه‌ای مبتنی بر نظریه جهان متن تهیه شد و در اختیار دانشجویان قرار گرفت. از آن‌ها خواسته شد تا داستان کوتاه *هاویه* را بخوانند و برداشت‌شان را یک بار پیش از خواندن پرسش‌نامه یک بار پس از خواندن و پر کردن پرسش‌نامه به روی کاغذ بیاورند. یافته‌ها حاکی از آن است که پیش از پر کردن پرسشنامه برداشت دانشجویان از متن به صورت کلی ارائه شد و اشاره دقیقی به جهان‌گفتمان (موضوع داستان) و جهان متن (شخصیت‌ها، زمان، مکان) و تا اندازه‌ای خرده‌جهان‌ها (نگرش‌های موجود در داستان) نشد. اما پس از پر کردن پرسشنامه، یادداشت‌های دانشجویان دقیق‌تر شد و برداشت‌شان از معنای متن با تفصیل بیشتری به روی کاغذ آمد (جدول ۷). به عبارتی دقیق‌تر با توجه به یافته‌های آماری، پاسخ پرسش‌های پژوهش روشن می‌شود. پرسش اول به نقش جهان‌گفتمان در درک گفتمان داشت. بنابراین، در پاسخ می‌توان بیان داشت که خواننده با خواندن متن می‌کوشد از طریق مؤلفه‌های متنی بافتی برای خود بیافریند تا در فهم معنای متن به او کمک کند. پرسش دوم به رابطه جهان متن و درک گفتمان اشاره دارد. بنابراین، می‌توان در پاسخ بیان داشت که خواننده باز هم از رهگذر متن و مؤلفه‌های متنی به برساختن بازنمایی‌های ذهنی از متن می‌پردازد و از این طریق می‌کوشد تا دنیایی از متن بسازد که نزدیک به دنیای نویسنده است و از این طریق به معنای متن ره برد. و در نهایت، خرده‌جهان‌ها که بازنمود نگرش‌های نویسنده و شخصیت‌های متن هستند، دنیاهای فرعی را در متن می‌سازند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خواننده‌ها یا پرسش‌شونده‌ها با یاری پرسشنامه توانستند توجه خود را بر عناصر وجهی موجود در متن متمرکز سازند و با عطف توجه به آن‌ها بتوانند دنیاهای فرعی یا خرده‌جهان‌های متن را بازشناسند و به لایه‌ای دیگر از لایه‌های معنایی متن رهنمون شوند.

با توجه به این توضیحات و برداشتها می‌توان گفت که این شیوه خواندن، یعنی به-کارگیری سبک‌شناسی مبتنی بر نظریه جهان متن، می‌تواند راهنمای خوبی در اختیار مدرسان قرار دهد تا با اطمینان بیشتری به آموزش ادبیات در کلاس بپردازند طوری که بتوانند فهم معنای متن را برای دانشجویان ممکن سازند. البته مدرس می‌تواند نقش تکمیلی و اصلاح‌گری در روند یادگیری و فهم معنا داشته‌باشد. مثلاً می‌تواند پس از بازبینی یادداشت‌های دانشجویان به تکمیل آن‌ها بپردازد و به دانشجویان نشان دهد که چطور می‌توان به رابطه بین عناصر جهان‌ساز و موضوع داستان پی برد و نسبت آن‌ها با خرده‌جهان‌ها را نشان داد. چطور می‌توان عناصر جهان‌ساز را شناسایی کرد و ارتباط بین آن‌ها را بیان داشت. چطور می‌توان نگرش‌های موجود در متن را به دست آورد و چطور با استفاده از جهان وجهی به لایه‌های معنایی ریزتر متن دست یافت. در پاسخ به پرسش‌های پژوهش می‌توان بیان داشت که: جهان‌گفتمان را می‌توان بافت موقعیتی یک رخداد ارتباطی به حساب آورد. بنابراین، نظر به اینکه فهم یک رخداد بدون فهم موقعیتی که رخداد در آن روی می‌دهد، ناقص خواهد بود، مخاطب فارسی‌زبان با استفاده از جهان‌گفتمان و اجزای تشکیل‌دهنده آن، و به کارگیری آن در متن می‌تواند در پردازش گفتمان شرکت کند. مشارکان گفتمان در لایه جهان متن می‌کوشند تا از طریق عناصر جهان‌ساز زمان، مکان، شخصیت و ابژه‌ها برساخت‌هایی ذهنی خلق کنند. این برساخت‌ها فضاهای مفهومی را شکل می‌دهد که فهم ما از فضای فیزیکی‌ای که در آن قرار داریم، را رقم می‌زنند. مشارکان گفتمان می‌توانند با برساختی ذهنی مطابق با متن، فرایند درک گفتمان را برای خود رقم زنند و ممکن سازند. خرده جهان با تغییر در زمان و مکان داستان از جهان متن اصلی شکل می‌گیرد. در واقع، با این تغییرات، جهان‌های فرعی یا خرده‌جهان شکل می‌گیرد. لازمه این تغییر این است که توجه‌مان را به سمت یک جهان متنی جدید تغییر دهیم. انتظار می‌رود که خواننده متن با عطف توجه به این جهان‌های فرعی، تغییرات صورت گرفته در متن را دریابد و از این طریق به پیگیری معنای متن بپردازد. پژوهش حاضر به بررسی متنی ادبی، داستان کوتاه کابوس‌های شبانه پرداخته است. اولاً با توجه به حجم آزمون‌شونده‌ها می‌توان تعداد آن‌ها را افزایش داد و با حجم نمونه‌های بیشتری به بررسی

این فرایند پرداخت. درثانی، می‌توان این حیطه را گسترش داد و به ژانرهای دیگری مانند روزنامه و ژانر علمی و حتی شعر هم پرداخت و با تحلیل و مقایسه آن‌ها نشان داد که آیا می‌توان با استفاده از رویکرد موردنظر به آموزش بهتر فهم متن این ژانرها کمک کرد یا نه. آزمون‌شونده‌های این پژوهش دانشجویان سال سوم رشته پزشکی بودند. می‌توان این آزمون را در مورد دانشجویان رشته‌های دیگر هم به کار برد و میزان موفقیت این رویکرد را در رشته‌های دیگر سنجید. این آزمون به صورت غیرحضوری برگزار شد. در آزمون‌های غیرحضوری نمی‌توان کنترل زیادی بر نمونه‌ها و شرایط آزمون اعمال کرد. می‌توان با برگزاری حضوری آزمون این محدودیت‌ها را رفع کرد و با کنترل بیشتر خاصه بر شرایط برگزاری آزمون و برقراری ارتباط عمیق‌تر با آزمون‌شونده‌ها به نکات دقیق‌تری دست یافت. حتی می‌توان بعد از آزمون و طی مصاحبه از آن‌ها در مورد شرایط پیش و پس از پاسخ به پرسشنامه نکاتی پرسید و به اطلاعات دقیق‌تری دست یافت و با توجه به آن یافته‌های آماری را بهتر تبیین کرد. می‌توان آزمون‌شونده‌ها را در سطوح آموزشی مختلف هم به کار برد و بررسی کرد که آیا الزامات هر دوره آموزشی با دیگر دوره‌ها تفاوت دارد یا نه. به بیانی، آیا می‌توان این تأثیر را در دانش‌آموزان دبیرستان و پایه‌های دیگر مشاهده کرد یا نه. در یک جمع‌بندی می‌توان اشاره داشت که پژوهش حاضر قصد داشت با به کارگیری نظریه جهان متن از زبان‌شناسی شناختی به این پرسش پاسخ دهد که آیا این نظریه و بخش‌های مختلف آن می‌تواند هم به خواننده متن و هم به مدرس متن در بهبود درک متن کمک کند یا خیر. یافته‌های حاصل از تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد که نظریه جهان متن و توجه به بخش‌های آن حین خواندن متن می‌تواند به خواننده متن کمک کند نگاه دقیق‌تری به متن و معنای آن داشته باشد و درک متن را برای او تسهیل سازد. از سوی دیگر، می‌توان انتظار داشت که مدرس هم می‌تواند با توجه به این یافته‌ها از این روش برای بهبود درک متن دانش‌آموزان یا دانشجویان بهره برد. نکته مهم دیگر در این زمینه، نقش مؤلفه‌های شناختی و روانشناختی در درک متن است. به بیانی، حافظه، توجه و فراشناخت، دانش پیش‌زمینه‌ای یا همان بافت یا جهان‌گفتمان در افزایش فهم خواننده متن

چه اندازه نقش دارند و این عوامل چه کمکی به خواننده در درک متن دارند. این مؤلفه‌ها چه ارتباطی با نظریه جهان متن و سبک‌شناسی آموزشی می‌یابند. «فهم» یا «ادراک» متن را می‌توان دستیابی به آگاهی جدیدی دانست که خود حاصل کشف روابط میان معنای از پیش موجود در ذهن و پیوند آنها با اطلاعات جدید است. در این خصوص، «توجه» عنصر مهمی به حساب می‌آید؛ چراکه از این رهگذر می‌توانیم پاره‌ای از امور را که می‌خواهیم و مدنظر ماست در کانون توجه ذهن قرار دهیم و در نتیجه وارد دایره ادراک کنیم و پاره‌ای از آنها را که نمی‌خواهیم کنار می‌گذاریم. نظریه جهان متن این امکان را فراهم می‌آورد تا توجه ما به بخش‌های متن که در فهم تأثیرگذارند بیشتر شوند و از این طریق در کانون ادراک ما قرار گیرند و آن بخش‌هایی که نقش چندانی در ادراک ندارند کنار گذاشته شوند و بدین ترتیب، فهم متن بهتر اتفاق بیفتد. چراکه با کنار گذاشتن عوامل غیرمؤثر در معنای متن، توجه ما معطوف به بخش‌های تأثیرگذار در معنای متن می‌شود و فهم متن با سرعت و با سهولت بیشتری روی می‌دهد. حافظه هم نقش مهمی در یادگیری و فهم متن ایفا می‌کند. حافظه انواع مختلفی دارد که در ابتدا به کوتاه مدت و بلندمدت دسته‌بندی می‌شود. حافظه بلندمدت هم خود انواعی دارد که در گام اول به حافظه بیانی و غیربیانی تقسیم می‌شود (سیف، ۱۳۹۴). نکته مرتبط با بحث ما این است که اطلاعاتی را که از طریق منابع حسی دریافت می‌کنیم وارد حافظه کوتاه‌مدت ما می‌شود و بعد از نهایتاً پانزده ثانیه وارد حافظه بلندمدت می‌شوند. یادگیری و فهم زمانی روی می‌دهد که اطلاعات از حافظه کوتاه‌مدت گذر کنند و وارد حافظه بلندمدت شوند؛ به بیان دیگر، یادگیری و فهم مستلزم انتقال اطلاعات به حافظه بلندمدت است. برای این منظور نیاز است تا پیوندی بین مطالب جدید با مطالبی که از قبل آموختیم و در حافظه ثبت کردیم برقرار کنیم. پیش‌تر هم اشاره کردیم که جهان‌گفتمان در حکم بافت موقعیتی، بین اطلاعات جدید و اطلاعات پیشین پیوند برقرار می‌سازد و از این رهگذر می‌توان به فهم متن کمک کند. نکته دیگر که می‌تواند در فهم و یادگیری دخیل باشد، فراشناخت است. فراشناخت به شناخت شناخت یا دانستن درمورد دانستن گفته می‌شود (سیف، ۱۳۹۴: ۴۸). مهمترین ویژگی دانش فراشناختی این است که به یادگیرنده اجازه می‌دهد از فعالیت یادگیری خود و نحوه

پیشرفت کارش آگاه باشد و نقاط قوت و ضعف خود را بشناسد. در پیوند با این مسئله، می‌توانیم بگوییم که نظریه جهان متن می‌تواند نوعی دانش فراشناختی برای خواننده فراهم کند. این نظریه با عطف توجه خواننده به بخش‌های مختلف متن و فراهم آوردن امکان رجوع دوباره به متن از یک سو، و برقراری پیوند بین دانسته‌های قبل و اطلاعات جدید می‌تواند فهم متن را برای خواننده تسهیل سازد. نظریه جهان متن می‌تواند نوعی چارچوب یا ساختار به مطالب و متن می‌دهد و از این طریق آن‌ها را سازماندهی می‌کند. به بیانی، متن را در دسته‌های مختلف و مشخصی قرار می‌دهد و از این طری امکان فهم و یادگیری ساده تر را برای خواننده فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، خواننده می‌تواند اطلاعات تازه‌ای که از متن دریافت می‌کند را با اطلاعات پیشین خود پیوند دهد و از طریق بسط و گسترش معنایی فهم خود از متن را بهبود بخشد.

منابع

- افراشی، آریتا (۱۳۹۵). تحلیل داستان در نظریه جهان متن: مطالعه موردی وداع اثر جلال آل احمد، زبان و زبان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۲۳، صص ۱۷-۳۸
- رستار، امین (۱۳۹۴). «جهان متن: تفکر و رای متن». در سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های کاربردی در مطالعات زبان، تهران، دانشگاه جامع علمی کاربردی.
- رفایی قدیمی مشهد، رضا؛ غلامحسین زاده، غلامحسین (۱۳۹۹). بررسی و تحلیل کارکرد نظریه جهان متن در تحلیل زیبایی‌شناسانه شعر فارسی (مطالعه موردی: یک غزل از سعدی و یک شعر آزاد از نیما یوشیج). جستارهای زبانی، دوره یازدهم، بهمن و اسفند ۱۳۹۹. شماره ۶. پی‌اچ‌اچ ۶۰.
- سیف، علی اکبر (۱۳۹۴). روش‌های یادگیری و مطالعه، ویرایش دوم، تهران، نشر دوران.
- صادقی اصفهانی، لیلا (۱۳۸۹). «بررسی عناصر جهان متن بر اساس رویکرد بوپیکای شناختی». فصلنامه نقد ادبی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۱۴۳-۱۷۴.
- صدیقی، علیرضا (۱۳۸۸). «اسباب و صور ایهام در داستان‌های بیژن نجدی». فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی. شماره ۱۲. صص ۱۶۰-۱۴۳.
- طلایی، زینب و حبیب‌الله عباسی (۱۳۹۹). «نظریه جهان متن در روایت بیهقی». پژوهشنامه نقد ادبی. دوره ۹، شماره ۲، صص ۸۵-۱۰۳.
- گلکفام، ارسلان؛ روشن، بلقیس؛ شیررضا، فرزانه (۱۳۹۳). «کاربرد نظریه «جهان متن» در شناسایی عناصر سازنده متن روایی داستان شازده احتجاب؛ بر مبنای رویکرد شعرشناسی شناختی». جستارهای زبانی، دوره ۵، شماره ۵، ۲۰۶-۱۸۳.
- وهابیان، بهناز؛ دهقان، مسعود؛ بدخشان، ابراهیم؛ کرانی، اکرم (۱۴۰۰). شناسایی عناصر سازنده متن در داستان «قضیه داستان باستانی یا رومان تاریخی». فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۹ (۴)، ۱۲۹-۱۵۱.

Canning, P. (2017). *Text world theory and real world readers: from literature to life in a Belfast prison*. Available at

https://www.researchgate.net/publication/317146105_Text_World_Theory_an_real_world_readers_From_literature_to_life_in_a_Belfast_prison.

Cushing, I. & Giovanelli, M. (2019). Integrating Language and Literature: A Text World Theory Approach. *Journal of Literary Education*, (2), pp. 199-222. doi: 10.7203/JLE.2.13842.

Esmaili, P. (2015). *A Text World Theory account of the traumatic episodes in Tim O'Brien's war memoir The Things They Carried*. Available online at

https://www.academia.edu/11435381/A_Text_World_Theory_account_of_the_aumatic_episodes_in_Tim_OBriens_war_memoir_The_Things_They_Carried

Evans, V. and green, M. (2006) *Cognitive Linguistics: An Introduction*, 1.end. Edinburgh: Edinburgh university press.

Fauconnier, G. (1994) *Mental Spaces: Aspects of Meaning Construction in Natural Language*, Cambridge: Cambridge University Press.

Fauconnier, G. (1997) *Mappings in Thought and Language*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Fauconnier, G. and Turner, M (2002) *The Words We Think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Fiction*, unpublished PhD thesis, Sheffield Hallam University.
- Fauconnier, G. and Turner, M (2002) *The Words We Think: Conceptual Blending and the Mind's Hidden Fiction*, unpublished PhD thesis, Sheffield Hallam University.
- Gavins, J. (2007). *Text World Theory: An Introduction*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Giovanelli, M. (2010). Pedagogical stylistics: A text world theory approach to the teaching of poetry. *English in Education*, 44 (3) 214-231.
- Hallam, K. (2013). *A Text World Theory analysis of Robert Coover's 'Matinée'*. Available online at https://www.academia.edu/16536076/A_Text_World_Theory_Analysis_of_Robert_Coovers_Matin%C3%A9
- Herman, V. (1995). *Dramatic discourse. Dialogue as interaction in plays*. London & New York: Routledge.
- Johnson, M (1987) *The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason*, Chicago: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. (1987) *Women, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*, Chicago: Chicago University Press.
- Lakoff, G. and Johnson, M (1980) *Metaphors We Live By*, Chicago: University of Chicago Press.
- Langacker, Ronald. 1987/1991. *Foundations of cognitive grammar*. Vol. 1, 2; Stanford: Stanford University Press.
- Lyons, J. (1996). *Linguistic semantics. An introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Mohammadzadeh, B. (2017). A text world theory approach to the teaching of short stories in an EFL context: A pedagogical stylistic study. *Journal of Language and Linguistic Studies*, 13(2), 285-295; 2017.
- Semino, E. (2003) 'Possible worlds and mental spaces in Hemingway's 'A very short story'', in J. Gavins and G. Steen (eds) *Cognitive Poetics in Practice*, London: Routledge, pp.83-98.
- Van Dijk, T.A. (1991). *Cognitive context models and Discourse*. Congressional Record. Proceedings and Debates of the 102d Congress, First Session, June 04, 1991, Vol. 137, No. 84. Available at <http://discourses.org/OldArticles/Cognitive%20context%20models%20and%20discourse.pdf>.
- Werth, P. (1999). *Text Worlds: Representing Conceptual Space in Discourse*. London: Longman.
- Whiteley, S. (2010). *Text world theory and the emotional experience of literary discourse*. Available at <http://theses.whiterose.ac.uk/15112/1/527271.pdf>
- Wiśniewski, K. (2007). *Pragmatics*. Available at <http://www.anglozof.com/linguistics/pragmatics.htm>
- Kintsch, Walter, "The Role of Knowledge in Discourse Comprehension: A Construction-Integration Model", 1988, *Psychological Review*, 95, 2, pp. 163-182, American Psychological Association, Inc.
- Laird, John E., Newell, Allen, and Rosenbloom, Paul S., "SOAR: An Architecture for General Intelligence", 1987, *Artificial Intelligence*, 33, 1, pp. 1-64, Elsevier Science Publishers B.V.

(North-Holland).

Lewis, Richard L., Huffman, Scott B., John, Bonnie E., Laird, John E., Lehman, Jill F., Newell, Allen, Rosenbloom, Paul S., Simon, Tony, and Tessler, Shirley G. "Soar as a Unified Theory of Cognition: Spring 1990", Proceedings of the Twelfth Annual Conference of the Cognitive Science Society, 1990, pp. 1035-1042, Lawrence Erlbaum Associates, Publishers